

نگاهی از چند سو به



نشر کتاب

عبدالحسین آفرنگ



نگاهی از چند سو به
نشر کتاب

-
- سرشناسه: آذرنگ، عبدالحسین، ۱۳۲۵ -
عنوان و نام پدیدآور: نگاهی از چند سو به نشر کتاب/ عبدالحسین آذرنگ.
مشخصات نشر: تهران: ققنوس، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری: ۳۰۲ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۴-۰۴۴۸-۴
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
یادداشت: ص.ع. به انگلیسی: A.H. Azarang Multiple perspectives on:
book publishing.
یادداشت: نمایه.
موضوع: نشر و ناشران - ایران
موضوع: Publishers and publishing -- Iran
موضوع: نشر و ناشران - ایران - مصاحبه‌ها
موضوع: Publishers and publishing -- Iran -- Interviews
موضوع: کتاب - ایران - صنعت و تجارت
موضوع: Book industries and trade -- Iran
رده‌بندی کنگره: Z ۴۵۰
رده‌بندی دیویی: ۰۷۰/۵۷۰۹۵۵
شماره کتاب‌شناسی ملی: ۸۹۲۲۶۰۶
-

نگاهی از چند سو به
فشر کتاب

عبدالحسین آذرنگ





انتشارات قنوس

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری،

شماره ۱۱۱، تلفن ۴۰ ۸۶ ۴۰ ۶۶

ویرایش، آماده‌سازی و امور فنی:

تحریریه انتشارات قنوس

عبدالحسین آذرنگ

نگاهی از چند سو به

نشر کتاب

چاپ اول

۵۵۰ نسخه

۱۴۰۱

چاپ پارمیدا

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۴-۰۴۴۸-۴

ISBN: 978 - 622 - 04 - 0448 - 4

www.qoqnoos.ir

Printed in Iran

فهرست

یادداشت آغازین	۷
۱. چرا نشر برای ما این قدر مهم است؟	۱۳
۲. گم‌شده نشر ما چیست و کیست؟؟ مخاطب و مخاطب‌شناسی در نشر	۳۱
۳. گروه هدف در نشر ما	۴۵
۴. مخاطب، بنیاد اصلی نشر	۵۳
۵. انسان‌شناسی نشر کتاب در ایران	۶۵
۶. جنبه‌هایی از فقر نظری نشر	۷۹
۷. رابطه میان سیاست‌ها و زیرساخت‌های نشر	۸۹
۸. سیاستی برای کتاب و نشر در دوره گذار	۹۷
۹. اقتصاد دستخوش تحول کتاب	۱۰۵
۱۰. نشریه ویژه کتاب؛ کاربردها و خصوصیات	۱۰۹
۱۱. انواع ناشران؛ با توجه به تحولات امروز نشر	۱۱۵
۱۲. کتاب‌آما، گونه‌ای دیگر از ناشر	۱۲۷
۱۳. فروش کتاب؛ بانگاهی به تجربه‌های دیگران	۱۳۳
۱۴. تحولات جدید در عرصه نشر و ویرایش	۱۴۵

۱۵. آیا «نشر سنتی» رو به زوال است؟ ۱۵۷
۱۶. آیا رقابت نشرها به سود ماست؟ ۱۶۹
۱۷. کتاب و نشر از دیدگاه منافع ملی و عمومی ۱۷۵
۱۸. نشرهای محلی و تأثیرهای آنها بر نشر ملی ۱۹۱
۱۹. نشر سرای الکترونیکی؛ از تجربه های جدید سوند ۲۰۱
۲۰. آموزش های ترکیبی در نشر ۲۰۹
۲۱. عرصه های نکاویده در نشر ایران؛ درآمدی به جنبه های مطالعاتی ۲۱۹
۲۲. چرا نشر ژاپن پیش رفت و نشر ایران نه؟ ۲۳۳
۲۳. ضرورت بازنگری در سیاست نشر کتاب در ایران؛ ۲۳۳
- پیشنهادی چند برای ایجاد تحول در نشر ۲۴۵
۲۴. خطوطی از سیمای نشر؛ از لابه لای پرسش و پاسخ ها ۲۶۷
- نمایه ۲۹۷

یادداشت آغازین

نشر کتاب هم اکنون دستخوش تحولاتی شتابناک است، به ویژه هر جا که نشری توسعه یافته داشته باشد. سرشت نشر به گونه ای است که از تغییر و تحولات به سرعت تأثیر می پذیرد، فناوری های جدید زود به آن راه می یابد و کارکردهایش را تغییر می دهد. تغییرپذیری نشر را در تاریخ آن، از زمان نخستین فناوری ها، و به ویژه از دوره انقلاب صنعتی در سده ۱۹م به بعد، به خوبی می توان دید. پیوند نزدیک نشر با عرصه های مختلف، از فرهنگ، آموزش، پژوهش، فراغت، اقتصاد و سیاست گرفته تا همه جنبه های مربوط به تکاپوهای فکری، امور اجتماعی و مسائل مربوط به زندگی و حال و آینده انسان، سبب می شود که هم از تغییر و تحولات این عرصه ها تأثیر بپذیرد و هم متقابلاً بر آن ها تأثیر بگذارد. همین تأثیر متقابل و تعامل است که سرشت نشر را پویا کرده است.

در سال های پایانی سده ۲۰م و در آستانه تغییر آن به سده ۲۱م، که با تحول تازه ای در نشر و پیدایش و رواج نشر الکترونیکی همزمان بود، در خارج از کشور به سر می بردم. مطالب بسیار زیادی درباره حال و آینده و سرنوشت نشر کاغذی منتشر می شد که تا جای ممکن آن ها را به دقت می خواندم و دنبال می کردم. بحث درباره جایگزین شدن شیوه نشری که

طرفداران نشر الکترونیکی به آن «سنتی» لقب داده بودند، یا «کاغذی»، و زوال آن را قریب الوقوع پیش‌بینی می‌کردند، با نشر الکترونیکی، بازتاب چندانی در نشریه‌های ایران نداشت و، تا جایی که خبر داشتم، اتحادیه ناشران ایران هنوز این موج جدید را احساس نکرده بود و، در نتیجه، برای دگرگونی‌هایی که به‌ناگزیر در نشر همه‌جای جهان، از جمله در کشورهای توسعه‌یافته و صاحبان فناوری‌های جدید، کشورهای در حال توسعه و جهان سوم، و از جمله ایران رخ می‌داد، نه آمادگی نظری داشت و نه شناخت فنی. چنین وضعیتی از دیدگاه بنده، در مقام پژوهشگری که دربارهٔ مسائل نظری نشر و ویرایش مطالعه می‌کرد، هم نگران‌کننده بود و هم زیانبار و با پیامدهای ناگوار. نشر را مهم‌ترین عامل در میان عامل‌های تولید فرهنگی می‌دانستم و هنوز هم می‌دانم. هر تهدیدی که متوجه این عامل می‌شد و هر آسیبی که به آن می‌رسید، عملاً تهدید و آسیبی به فرهنگ ما بود.

هشدار دادن به مسئولانی که می‌توانستند شماری از اعضای باسابقه و خادمان حرفهٔ شریف و محترم نشر را از تهدید و خطر زوال آگاه کنند، کمترین وظیفه‌ای بود که نشرپژوهی می‌توانست انجام دهد. تنها کاری که از او ساخته بود، نوشتن مقالاتی هشداردهنده، فرستادن آن‌ها به ایران و انتشار آن‌ها در نشریات بود؛ به این امید که شاید مسئولان فرهنگی و ناشران و نشردوستان بخوانند و زودتر چاره‌ای بیندیشند. مقالاتی با عنوان «نشر کتاب با چه تهدیدهایی روبه‌روست؟»، «نشر کتاب در عصر اطلاعات و ارتباطات»، «نشر کتاب در دورهٔ انتقال از عصر اطلاعات به عصر پسااطلاعات»، «نشر الکترونیکی و چالش‌های آن»، «بازاندیشی در نشر کتاب»، «نشر اثر آفرین، نشر اثرگزین»، «زیرساخت‌های نشر»، «تحقیق و توسعه و تعلیم و توسعه در نشر کتاب»، «پدیدهٔ خودناشری»، «کتاب از دید کلان»، «تجربه‌ای در آموزش نشر» و «ما ملت کتاب‌خوانی نیستیم»، از جملهٔ مقاله‌هایی بود که او نوشت، برای مجید رهبانی فرستاد و در مجلهٔ جهان کتاب منتشر شد. پس از بازگشت به کشور، شماری مقاله

را از همان سنخ در اختیار سید فرید قاسمی قرار داد که او و همکارانش در نشریه کتاب هفته چاپ کردند. حمید محسنی، مدیر علاقه‌مند نشر کتابدار، دستچینی از این نوشته‌ها را در مجموعه‌ای سه‌گانه با عنوان‌های شمه‌ای از کتاب، کتابخانه و نشر کتاب؛ شمه‌ای از اطلاعات و ارتباطات؛ شمه‌ای از انتشار کتاب در ایران؛ و نیز در کتاب مستقلی با عنوان چون و چرایی در باب سیاست‌های نشر کتاب منتشر کرد. شماری دیگر را هم امیر حسین زادگان، مدیر فعال و نشر دوست ققنوس، در سه مجموعه با عنوان‌های چند نوشتار و گفتار در نشر و ویرایش؛ در قلمرو نشر، ویرایش و دانشنامه‌نگاری؛ و بازاندیشی در مباحثی از نشر و ویرایش انتشار داد.

افزون بر این، از چند ناشر باید یاد کرد که در راه رساندن همین پیام‌های هشداردهنده مساعدت‌های صمیمانه داشتند: شادروان داوود رمضان شیرازی؛ رئیس صنف نشر و مدیر انتشارات سنائی، حسن کیانیان؛ معاون اتحادیه ناشران و مدیر نشر چشمه، علیرضا رضانی؛ مدیر نشر مرکز، و نیز شمار دیگری از دوستان ناشر و کتابفروش که اگر بخواهم یک‌به‌یک از آن‌ها نام ببرم، صورت بالابندی خواهد شد. همه کسانی که از آن‌ها نام بردم، در حد توان و به قدر وسع و امکان، با من مساعدت کردند و راه را برای انتشار نوشته‌هایم درباره کتاب و نشر، یا بیان دیدگاه‌ها از راه‌های دیگر گشودند. همین‌جا از همه آن‌ها صمیمانه سپاسگزاری و از حقی که در راه این هدف داشتند قدردانی می‌کنم.

چند مقاله در همین کتابی که در دست شماست تازه است. بقیه پیش‌تر انتشار یافته، اما در همه آن‌ها تجدیدنظر شده است. آمار و ارقام تغییر کرده، در موارد لازم نکته‌های تازه‌ای که حاصل تحولات شتابناک نشر است – همان‌طور که پیش‌تر به آن اشاره شد – افزوده شده، برخی مطالب حذف شده، و در مجموع کوشش به عمل آمده است که مضمون‌های طرح‌شده در این مجموعه روزآمد باشد. البته لازم به یادآوری است که معمولاً در همه مجموعه مقاله‌ها تکرار برخی مطالب اجتناب‌ناپذیر

است، زیرا مقاله‌ها در زمان‌ها، مکان‌ها و در نشریه‌های مختلف چاپ می‌شوند و بحث اقتضا می‌کند به نکته‌هایی اشاره شود تا ساختار موضوع دچار ابهام نباشد. از این رو، ممکن است مطالب و مضامینی با تعبیرها و زبان‌های مختلف تکرار شود. در این مجموعه سعی بر آن بوده است که تا جای ممکن نکته‌های تکراری حذف شوند. اگر مواردی حذف نشده، به این دلیل بوده است که حذف شدن آن‌ها به ساختار نوشته لطمه می‌زده و، بنابراین، به ضرورت از حذف کردن آن‌ها خودداری شده است.

بررسی روند کنونی نشر کتاب نشان می‌دهد که آینده نشر نه در گرو یک گونه از نشر، بلکه در گرو گونه‌های متنوعی از نشر با کارکردهای متفاوت است که شاید بتوان آن‌ها را «نشرهای همراه»، «نشرهای ترکیبی»، یا «نشرهای مکمل» نام داد. اطلاعات در جهان با سرعتی تولید، افزوده و تلبار می‌شود که از آن با تعبیر «بهمن اطلاعاتی» یاد می‌کنند. بسیاری از متخصصان علم اطلاع‌رسانی نگرانی خود را به صورت‌های مختلف از این بابت ابراز کرده‌اند که این حجم عظیم و دم‌افزون اطلاعات تولید شده لگام‌گسیخته شود و دیگر نتوان آن را مدیریت کرد. حجم انبوه اطلاعات به رسانه‌ها و ابزارهای متعدد و متنوعی نیاز دارد تا به کمک آن‌ها بتوان روند انتقال و داد و ستدهای اطلاعاتی را مدیریت، و نیز در مسیرهای مختلف هدایت کرد. کوشش در راه ایجاد و ابداع فناوری‌های جدید، و نیز به کارگرفتن آن‌ها در نشر، از ضرورت‌های چاره‌ناپذیر عصر ماست. به همین سبب کوشش در راه شناختن درست این واقعیت، و همچنین آماده و مجهز شدن در برابر آن را باید در اولویت‌های سیاست‌ها و برنامه‌های نشر قرار داد؛ همین‌طور در برنامه‌های پژوهشی و مطالعاتی. تجربه به ما نشان داده است که بارها و بارها غافلگیر و ناگزیر شده‌ایم خسارت‌های سنگین ناشی از این غفلت را بپردازیم.

نشر امروز در حال دگردیسی برای بقا و تداوم به کوشش‌های دیگری متفاوت با پیش نیاز دارد، تلاش در راه شناخت بهتر با دید گسترده‌تری را

اقتضا می‌کند، آینده‌نگری و برنامه‌ریزی می‌خواهد، به زیرساخت‌های لازم محتاج است، به پژوهش، آموزش، تحقیق و توسعه، تعلیم و توسعه، منابع مرجع و آموزشی، نشریه‌های تخصصی و اطلاع‌رسان، به حداکثر حمایت و حداقل دخالت، به تشکل صنفی منسجم، هدفمند و برکنار از اختلاف‌های بی‌ثمرِ فرساینده، درس‌گرفته از دیگر تجربه‌های به بار نشسته، به تلاش‌های ناشران متحدی که نشرشان را نجات دادند، نشرهای توسعه‌نیافته را به توسعه‌یافته تبدیل کردند، دولت‌هایشان را به حمایت واداشتند، حتی در بررسی مسائل و مشکلات نشرگامی جلوتر از دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها برداشتند، اعضای خود را آموزش دادند، مهارت‌های جدید را به آن‌ها آموختند، پایه‌های تحولات پیش رفتند، و در نتیجه از ورطهٔ زوال دور شدند، و در عرصهٔ تولید فرهنگی پویا، مولد و تأثیرگذار باقی ماندند.

ع.آ.

زمستان ۱۴۰۰

چرا نشر برای ما این قدر مهم است؟

- آیا تأکیده‌های بسیار بر نشر و دامنه، نقش، تأثیر و آینده آن غلو و مبالغه است؟
 - آیا فرهنگ ما به نشر وابسته است و مشکلات نشر از جمله مشکلات فرهنگی است؟
 - آیا نشر اگر آسیب ببیند، همه ما آسیب می‌بینیم؟
 - آیا هشدارها و اخطارها در این باره با واقعیت سازگار نیست؟
 - آیا می‌توان مشکلات نشر را حل کرد، مانع‌ها را از سر راه برداشت و سپس امیدوار بود نشر بتواند با کارکرد طبیعی و سالمش جایگاه خود را در روند فرهنگی و در جامعه بازیابد؟
 - در این راه چه کسانی می‌توانند نقش و تأثیر بیشتری داشته باشند؟
 - آیا محدود کردن این نقش به ناشران درست است؟
- این سلسله پرسش‌ها را باز هم می‌توان ادامه داد، زیرا نقش و تأثیر آن را در فرهنگ، آموزش، پژوهش، پرورش و تربیت، اندیشه و نگرش، تحلیل و تفسیر، خلاقیت و نوآوری، آینده‌نگری، و بسیاری از رویدادها، فعالیت‌ها و جنبه‌های مختلف جامعه، با دلیل، سند و مدرک، شاهد‌های تاریخی، مطالعات تطبیقی و تجربه ملموس جامعه‌هایی می‌توان نشان داد

که از نشر به سان اهرمی نیرومند استفاده کردند، ابزاری که کارکرد آن را هیچ وسیله دیگری ندارد.

نشر یکی از بنیادهای اصلی تمدن و فرهنگ بشر است. با ابداع خط آغاز شد و تا زمانی که یوهانس گوتنبرگ آلمانی (۱۳۹۰-۱۴۶۸ م) فن چاپ را ابداع کرد، به مدت چند هزار سال تنها راه کتبی انتقال دانش، تجربه و بسیاری چیزهای دیگر فقط خط بود، اگرچه دامنه نشر از راه منابع خطی محدودیت‌های خود را داشت. همین نشر محدود و به‌رغم همین محدودیت، میراث فکری و فرهنگی جهان باستان را به سده‌های میانه، سپس به عصر جدید و دنیای امروز ما انتقال داد.

پس از ابداع گوتنبرگ، فناوری چاپ محمل اصلی نشر قرار گرفت و به مدت حدود ۵ قرن، تا دهه‌های پایانی سده ۲۰ م، محمل اصلی نشر بود. تحولات فکری و نگرشی بزرگ و انقلاب‌های متعددی که در چندین و چند حوزه رخ داد، بدون نشر امکان‌پذیر نبود: جنبش نوزایی (ژنسانس) نگاه به انسان و جهان را تغییر داد. آیین جدید پروتستان از دل جنبش اصلاح دینی مارتین لوتر (۱۴۸۳-۱۵۴۶ م) زاده شد و تأثیر و پیامدهای پیش‌بینی‌نشده‌اش در عرصه‌های فکری، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اعتقادی مسیر تاریخ غرب را تغییر داد و بر سایر نقاط هم تأثیر گذاشت. مارتین لوتر از امکانات نشر در ترویج دیدگاه‌ها و آیین جدید به بهترین نحوی که امکانات زمان اجازه می‌داد استفاده کرد. انتشار کتاب مقدس به زبان آلمانی، با ترجمه مارتین لوتر، زبان ادبی آلمان را دگرگون کرد. تاریخ جدید این زبان با انتشار همین ترجمه آغاز شد.

تاریخ‌نگاران نشر بنا به برآوردها می‌گویند در نیمه سده ۱۵ م در دنیای غرب به‌ندرت ممکن بود کسی در عمرش بیش از چند کتاب خطی دیده باشد. بنابراین، و به سبب همین محدودیت، در واقع اندیشه بشر محبوس بود. دانش، تفکر، فن، مهارت، و تجربه‌های گذشتگان در زمینه‌های

مختلف فقط در اختیار و انحصار شمار اندکی از مردم قرار داشت. نشر بود که با استفاده از محمل چاپ توانست زنجیرهای وابستگی و محدودیت را پاره کند.

در اوایل سده ۱۶م، حدود نیم قرن پس از ابداع فناوری چاپ، قاره اروپا شاهد ۸ میلیون جلد کتاب منتشرشده بود، آن هم کتاب‌هایی که مردم با قیمت‌های باورنکردنی بسیار ارزان به راحتی می‌توانستند از بازارهای رو به گسترش فروش کتاب بخرند. این رویداد به سهم خود انقلاب فرهنگی و فکری بزرگی بود. نشر از سده ۱۶م زمینه را برای شکل گرفتن مجموعه‌های کتاب، اعم از کوچک و بزرگ، فراهم ساخت و کتابخانه‌های بزرگی به تدریج ایجاد شدند و توسعه یافتند که ماده اصلی آن‌ها کتاب، همانا محصول اصلی نشر، بود. یکی از فرقه‌های مسیحی به نام یسوعیان (ژزویت‌ها) که در معتقدات و ترویج مسیحیت به روایت خود بسیار راسخ و پیگیر بودند، از رهاورد نشر بهترین استفاده ممکن را کردند و تا جایی که امکانات و اهتمامشان اجازه می‌داد کتاب نوشتند، منتشر کردند و کتابخانه ساختند، زیرا کتاب و ایجاد کتابخانه از دیدگاه آنان در زمره فعالیت‌های مقدس بود. آن‌ها به یاری همین محصولات نشر توانستند در تربیت فکری شمار زیادی از پیروان خود، حتی عده‌ای از متفکران، مؤثر باشند.

از سده ۱۶ تا ۱۸م ناشرانی به عرصه فعالیت آمدند که از راه‌ها و به شیوه‌های مختلف، و گاه نیز با پذیرفتن مخاطرات و به جان خریدن انواع نامایمات، آثاری انتشار دادند که هر کدام به سهم خود به محرک‌ترین عامل‌های دگرساز و تأثیرگذار تبدیل شدند. برای مثال، انتشار رساله شهریار، نوشته نیکولو ماکیاولی (۱۴۶۹-۱۵۲۷م) فصل تازه‌ای در اندیشه سیاسی گشود و هنوز هم بحث درباره آن ادامه دارد. افزون بر این، نشر این کتاب بر تحول زبان ادبی ایتالیا تأثیر مستقیم گذاشت. انتشار کتاب دُوران

افلاک آسمانی، نوشته نیکلاوس کوپرنیک (۱۴۷۳-۱۵۴۳ م)، از رویدادهای کم‌مانند در تاریخ علم، عامل اصلی تحول در علم نجوم، و نیز عامل تغییر نگرش و تحول همه علوم بود. انتشار دُن کیشوت، نوشته سروانتس (۱۵۴۷-۱۶۱۶ م)، نخستین داستان بلند و از شاهکارهای ادبیات جهان، مسیر ادبیات داستانی را در سراسر جهان تغییر داد. ناشرانی که به قصد سود اقتصادی گفتارهای بازیگران نمایشنامه‌های ویلیام شکسپیر (۱۵۶۴-۱۶۱۶ م) را سر صحنه‌ها تندنویسی کردند و سپس به صورت کتاب انتشار دادند، به قطع و یقین نمی‌دانستند چه تحولی در ادبیات نمایشی جهان به بار می‌نشانند. حتی انتشار ترجمه‌های آثار شکسپیر به زبان‌های مختلف در گوشه و کنار جهان از تأثیرگذارترین عامل‌ها در تحولات ادبی آن‌ها بوده است؛ از جمله ترجمه فارسی اتلولی مغربی، به قلم ناصرالملک، که نشر روان و استوار قاجاری آن معروف است. این‌ها فقط نمونه‌های اندک شماری از تأثیرهای نشر در سده‌های پیش بود.

نشر زمینه‌های تازه‌ای گشود که تأثیرهای بسیار گسترده و باورنکردنی آن به تدریج پدیدار شد. یکی از ناشران با استفاده از فناوری حکاکی و کلیشه‌سازی توانست نقشه‌های جغرافیایی دقیقی - البته دقیق با معیارهای زمان خود - ترسیم و منتشر کند. دریانوردان و کاشفان جغرافیایی به یاری همین نقشه‌ها بود که توانستند به راه‌های دور و ناشناخته بروند، از اقیانوس‌های هراسناک بگذرند و سرزمین‌های تازه‌ای کشف کنند. این اکتشافات نه تنها دانش جغرافیایی را متحول کرد، بلکه پیامدهای اقتصادی، بازرگانی، کشاورزی، صنعتی، سیاسی و سپس استعماری آن از جمله تأثیرگذارترین عامل‌ها بر تغییر یافتن مسیر جهان جدید بود.

در میان کشورهای اروپایی، هلند وضعیت مناسب‌تری داشت و شمار باسوادان آن بیش از دیگر کشورهای اروپا بود. هلند سرزمین امنی برای دگراندیشان عقیدتی و سیاسی، پناهندگان و رانده‌شدگان مذهبی و

سیاسی شده بود. رنه دکارت (۱۵۹۶-۱۶۵۰ م)، فیلسوف فرانسوی، از جمله دگراندیشانی بود که به سبب فضای تعصب آلود فرانسه و حتی از بیم جان به هلند گریخت. فرقه‌ای از مسیحیان که از قضا در کار نشر و کتاب و روزنامه‌نگاری چیره‌دست بودند، از فرانسه به هلند پناه بردند و تخصص خود را در خدمت نشر در حال توسعه هلند قرار دادند. هلندی‌ها از نشر چاپی استقبال کردند و این کشور به مهد انتشار بسیاری از کتاب‌هایی تبدیل شد که نشر آن‌ها در سرزمین‌های دیگر اروپا امکان‌پذیر نبود. نشر هلند برای کشورهای مختلف اروپا به چند زبان کتاب منتشر و به آن‌ها کتاب صادر کرد. شماری از کتاب‌های تأثیرگذار به زبان فرانسوی در هلند چاپ و منتشر می‌شد و به طور غیرقانونی و از طریق کسانی که می‌توانستند کتاب‌های جاسازی‌شده را از مرز بگذرانند به فرانسه برده و مخفیانه پخش می‌شد و به فروش می‌رسید. از حدود ۲۰ سال پیش از انقلاب فرانسه در ۱۷۸۹ م، هزاران کتاب فرانسوی منتشر شده در هلند از مرزهای فرانسه عبور داده شد و به‌رغم تفتیش‌ها و کیفرهای بسیار سنگین، به دست دگراندیشان و تغییرخواهان رسید. تحول فکری و انقلاب سیاسی فرانسه در سده ۱۸ م و امداد منابع فکری و ارمغان نشر هلند است. بنا به برآوردها، هلند در سده ۱۷ م حدود ۱۰۰ هزار عنوان کتاب انتشار داد که در تاریخ نشر تا آن زمان بی‌سابقه بود. در همین کشور شماری از ناشران به انتشار جزوه‌های کوچک و کم‌برگی پرداختند که به بهای نازلی فروخته می‌شد و خریداران بسیاری داشت. این دسته از ناشران در ترویج پدیده خواندن بسیار مؤثر بودند و فرهنگ کتاب‌خوانی را در هلند تقویت کردند. درصد باسوادان هلندی بیش از سایر کشورهای اروپایی بود. سده ۱۸ م عصر جنبش فکری، خردگرایی و انتشار آثار بسیاری در ترویج اندیشه‌ها و دیدگاه‌های خردگرایانه و علمی در زمینه‌های مختلف بود. انقلاب‌های سیاسی فرانسه و آمریکا در همین سده روی داد و انتشار

کتاب‌ها و جزوه‌های بسیار در هر دو انقلاب نقشی تأثیرگذار داشت. برای مثال، شمارگان انتشار کتاب فهم مشترک در آمریکا، نوشته تامس پین (۱۷۳۷-۱۸۰۹م) در مدتی حدود دو ماه به ۱۵۰ هزار نسخه رسید و همه نسخه‌ها به فروش رفت. این اثر که دفاعیه‌ای از استقلال آمریکا در برابر سلطه انگلستان استعمارگر بود، با استقبالی روبه‌رو شد که تا آن زمان در تاریخ نشر آمریکا سابقه نداشت. ناشران این اثر نام خود را فاش نکردند. انتشار آنسیکلویدی (دانشنامه عمومی فرانسه) به سرپرستی دنی دیدرو (۱۷۱۳-۱۷۸۴م) را صاحب‌نظران مهم‌ترین رویداد نشر در سده ۱۸ دانسته‌اند. در تدوین و تألیف این اثر، که بیش از ۲۰ سال زمان برد، ۱۳۵ تن از فیلسوفان، دانشمندان و دگراندیشان فرانسوی، از جمله ولتر، روسو، دیدرو، دالامبر، منتسکیو و همتایان آن‌ها، همکاری کردند. سرانجام آنسیکلویدی در ۲۸ مجلد انتشار یافت، اثری که گویاترین بیان، و در حقیقت آئینه نگرش خردگرایانه عصر خود بود. در عین حال، انتشار آن از مصداق‌های بارز نشر به قصد تغییر و اصلاح بود. انتشار آنسیکلویدی در جامعه فرانسه جنجال به پا کرد. صاحبان منافع کلان خود را با تهدید روبه‌رو دیدند، مخالفان آزادی احساس خطر کردند و همه کسانی که انتشار اندیشه‌ها و نگرش‌های نهفته در این اثر را به زیان خود می‌دیدند برای اقدامی مشترک همراه شدند. از آنسیکلویدی ۲۵ هزار نسخه در شهرهای فرانسه فروخته شد. تلاش‌های مخالفان به جایی نرسید و این اثر به کشورهای دیگر راه یافت و بر روند دانشنامه‌نگاری در سراسر جهان تأثیر گذاشت. در ایران عصر قاجار این اثر را فرانسوی‌دان‌ها می‌شناختند، از آن الهام گرفتند و سودای تدوین اثری همانند آن به زبان فارسی در سر شماری از دگراندیشان افتاد. هنوز هم روند دانشنامه‌نگاری در همه‌جای جهان از تأثیر آن برکنار نیست.

در سال‌های پایانی سده ۱۸م چاپ سنگی ابداع شد و فناوری‌اش این

امکان را در اختیار نشر قرار داد تا نقشه، اطلس، نت‌های موسیقی، نقش و نگارها، طرح‌ها، شکل‌ها و نقاشی‌هایی که با دست کشیده می‌شد و امکان چاپ حروفی آن‌ها نبود به سهولت انتشار بیابد. شماری از ناشران از این فناوری استفاده کردند و آثار هنری بسیاری انتشار دادند. چاپ سنگی در عصر قاجار، و مدتی پس از رواج چاپ حروفی، با استقبال خوانندگان ایرانی روبه‌رو شد. چاپ سنگی با ذوق و سلیقه کتابخوانان ایرانی سازگارتر بود. این شیوه سنگی می‌توانست خط نستعلیق و شکسته را، که پسند طبع ایرانیان بود، عیناً چاپ کند. شماری از ناشران آثار مصور بسیاری را با استفاده از شیوه چاپ سنگی انتشار دادند که جزو میراث ارزشمند هنری ما و از نمونه‌های نفیس تاریخ چاپ کتاب است.

از دیگر رویدادهای سده ۱۸ م که اشاره به آن لازم است، نگارش شماری داستان بلند و پیدایش ناشرانی است که به انتشار آثار داستانی دست زدند. نشر پاورقی هم رواج گرفت و ناشرانی آثار داستانی را در جزوه‌های کم‌حجمی با قیمت‌های بسیار ارزان منتشر و پخش می‌کردند. خوانندگان باسواد و کم‌درآمد به این ترتیب توانستند بهای یک کتاب را خرده‌خرده و به تدریج بپردازند تا تحمیلی بر هزینه‌های آن‌ها نباشد. انتشار پاورقی از ابتکارهای بسیار تأثیرگذار بر ترویج کتاب‌خوانی، تحکیم عادت‌های خواندن، و شکل گرفتن جامعه انبوه خوانندگان با پیامدهای متعدد فرهنگی و اجتماعی بود.

سده ۱۹ م شاهد تحولات تازه، گسترده و بی‌مانندی در عرصه نشر بود. آغاز این سده با اوایل سلطنت فتحعلی‌شاه در ایران همزمان شد، و پایان آن حدود ۶ سال پیش از انقلاب مشروطیت ایران در عصر مظفری بود. تأثیرهایی از تحول نشر را در آن سده در فعالیت‌های انتشاراتی عصر قاجار می‌توان دید که به آن‌ها اجمالاً اشاره خواهد شد. سده ۱۹ م عصر انقلاب صنعتی در دنیای غرب، عصر چندین و چند جنبش سیاسی،

دگرگونی‌هایی بی‌سابقه در علم، فناوری، صنعت، دستاوردهایی شگرف از اختراعات و اکتشافات و شیوه زیست انسان، و نیز عصر فعال‌ترین و پربارترین رهاوردهای نشر در تاریخ آن تا آن زمان بود. نشر در همه رویدادهای آن سده تأثیرهای مستقیم و غیرمستقیم داشته است. گزافه‌گویی نخواهد بود اگر ادعا شود که هیچ دستاوردی در سده ۱۹م از تأثیر نشر برکنار نبوده است. به نمونه‌هایی اشاره خواهد شد.

انقلاب صنعتی، تأثیرگذارترین رویداد سده ۱۹م، بر نشر تأثیر مستقیم گذاشت، تجهیزات پرسرعتی در اختیار آن قرار داد و تأثیر استفاده از این تجهیزات به اندازه‌ای عمیق و گسترده بود که تاریخ نشر جهان را می‌توان به دو دوره اصلی پیشا انقلاب صنعتی و پسا انقلاب صنعتی تقسیم کرد؛ اما در عین حال، نقش نشر را هم در این انقلاب و پیامدهای آن نباید از نظر دور داشت. دلیل آن‌که در آن سده کتاب رسانه فرهنگی بی‌رقیبی بود و فکر و نظر در عرصه همه تحولات آن سده از راه کتاب و نشریه‌های تازه‌پا گرفته منتقل می‌شد و مدیریت این انتقال بر عهده ناشران بود.

با کشف نیروی بخار ماشین‌های تازه‌ای به عرصه صنعت راه یافت که با نیروی بخار کار می‌کردند. چاپخانه‌هایی به دستگاه‌هایی مجهز شدند که بازده تولید چاپی‌شان به کمک این دستگاه‌های جدید افزایش یافت و به کمیت بی‌سابقه‌ای رسید. انقلاب صنعتی از سوی دیگر شهرنشینی را گسترش داد، طبقه متوسط باسواد شهری توسعه پیدا کرد، اوقات فراغت هم بیشتر شد و نیاز به خواندن افزایش یافت. همین جا نقطه چرخشی در نشر بود و ناشران با استفاده از سه عنصر اصلی تعیین‌کننده - ۱. نیاز خوانندگان جدید، ۲. افزایش تولید آثار در زمینه‌های مختلف و به‌ویژه آثار داستانی، و ۳. استفاده از ظرفیت افزایش‌یافته تولید چاپی - نشر را به عرصه تازه‌ای هدایت کردند که نشر کنونی جهان در مقیاس‌های گسترده آن، ادامه همان روند انتشاراتی است که ناشران سده ۱۹م آغاز کردند.

رویداد مهم دیگر، ساخته شدن قطار و گسترش شبکه راه آهن بود که سفرها را به میزان بی سابقه ای افزایش داد. راه آهن از هزینه های حمل و نقل کتاب و محصولات نشر کاست و بر سرعت پخش آن ها افزود. در نتیجه، از قیمت نهایی کتاب و نشریات کاسته شد و فروش آن ها بالا رفت. از سوی دیگر، چون سفرهای طولانی با قطار، به ویژه با سرعت های محدودی که قطارها در نیمه دوم سده ۱۹م داشتند، خسته کننده و کسالت آور بود، ناشرانی به این فکر افتادند کتاب های سرگرم کننده ای منتشر کنند تا در حین سفر با قطار خوانده شود. گونه تازه ای از کتاب منتشر شد که به «داستان های قطاری» شهرت یافت، کتاب هایی با جلد های نازک و نظریگر، کاغذ های ارزان تر و سبک تر و قیمت های ارزان؛ در واقع پیش درآمد «کتاب های یک بار مصرف». ناشران به نویسندگان خوش قلمی هم سفارش دادند کتاب های جاذب بنویسند تا در مجموعه «کتاب های قطاری» منتشر شود. از طرف دیگر، با همکاری پخشگران (توزیع کنندگان) و کتابفروشان، دکه هایی در ایستگاه ها، یا نزدیک ایستگاه های راه آهن، دایر کردند و آن کتاب ها را در معرض دید مسافران و نیز برای فروش به آن ها قرار دادند. استقبال بیش از برآوردها و حد انتظار ناشران بود. سنت کتاب خوانی در قطار توسعه و ادامه یافت و اکنون تداوم آن را در اتوبوس ها، هواپیماها، سالن های انتظار و بسیاری جاهای دیگر به چشم خود می بینیم.

نشر سده ۱۹م هم از گسترش سواد آموزی و مهارت آموزی سود برد و هم با تولید منابع مناسب برای آموزش در دوره های شبانه و دوره های آموزشی که در روزهای تعطیل برگزار می کردند، و نیز تولید کتاب های ارزان قیمت برای کارگرانی که این دوره ها را می گذراندند، در گسترش دانش و فرهنگ عمومی و اشاعه مهارت و تخصص نقش مؤثری ایفا کرد؛ همچنین با انتشار منابع، جزوه های مناسب و رساله های سیاسی در جنبش های طبقات

و گروه‌های مختلف اجتماعی برای احقاق حقوق، آزادی، مردم‌سالاری، استقلال، برابری و سایر جنبش‌های انسان‌گرایانه ذی‌سهم بود.

در سده ۲۰م اختراعات، اکتشاف‌ها و ابداعاتی که مسیر جهان را تغییر داد، نشر را هم دگرگون کرد. سه انقلاب در عرصه‌های اطلاعات، ارتباطات و الکترونیک به طور مستقیم به نشر مربوط می‌شد، زیرا هر سه انقلاب به گونه‌های مختلف انقلابی در رسانه‌ها هم بود و نشر که تولیدکننده رسانه کتاب و سایر رسانه‌های ارتباطی کاغذی بود، با چشم‌انداز، امکانات، محدودیت‌ها، انتظارات و کاربردهای تازه‌ای روبه‌رو شد که حیات و ممات آن به سازگاری با این وضعیت جدید وابسته بود، اگرچه خود نشر محمل همه اندیشه‌ها، دیدگاه‌ها و طرح‌های نظری و عملی بود که به همین وضعیت جدید انجامیده بود. افزون بر این‌ها، سده ۲۰م سیاسی‌ترین قرن در تاریخ بشر به شمار آمده است. در هیچ دوره‌ای این قدر انقلاب، شورش، مبارزه برای استقلال، رهایی، آزادی، جنبش مردم‌سالاری، زاده شدن کشورهای جدید و تحولات سیاسی دیگر رخ نداده بود. دو جنگ جهانی با پیامدهای بسیار گسترده و بنیادی، و نیز چندین جنگ در نقاط مختلف و هر کدام با پیامدهای خاص خود، از جمله مهم‌ترین رویدادهایی بودند که ادبیات منتشرشده مربوط به آن‌ها یکی از عظیم‌ترین مجموعه‌های انتشاراتی جهان را از آغاز تا کنون تشکیل می‌دهد.

البته این نکته را هم باید در نظر داشت که نشر در همه رویدادها می‌تواند نقش‌های مثبت یا منفی داشته باشد، زیرا موافقان و مخالفان هر رویدادی از نشر برای مقاصد خود استفاده می‌کنند. استفاده نازی‌ها، فاشیست‌ها، کمونیست‌ها و سایر مکتب‌ها و گروه‌ها از نشر، با استفاده مخالفان آن‌ها تناسب دارد. جناح‌های رودررو، هر دو، با دو ادبیات مختلف، از نشر استفاده می‌کنند؛ حق و باطل، هر دو، از راه نشر قابل انتشار است. در میان ناشران، هم می‌توان چهره‌های تابناک تلاش در راه

عزت، حرمت و اعتلای بشریت را دید و هم کوشش در طریق پلیدترین اقدامات ضدبشری را. نشر مانند وسیله حمل و نقل است که انواع مختلف بار را می‌توان سوار آن کرد، اما سرنده روزگار است که پاک و ناپاک را از هم جدا، و داور بی‌گذشت تاریخ است که عملکرد هر کدام را محاسبه می‌کند. اکنون که در سده ۲۱ م به سر می‌بریم و بیش از دو دهه از عمر این سده گذشته است، می‌توانیم با فاصله‌ای از سده گذشته سیر نشر را در آن بررسی کنیم و دفتر این بحث را فعلاً ببندیم.

برتری نشر اروپا در سده ۲۰ م پایان یافت، مرکز ثقل انتشاراتی از لندن به نیویورک منتقل شد و نشر انگلستان تنزل کرد و به مرتبه نشر دوم جهان رسید. نشر آمریکا پس از پایان یافتن جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۵ م، به سبب برخورداری از رشد سریع اقتصادی و پیامدهای برنامه توسعه، نیاز روزافزون به کتاب، گسترش شتابناک فعالیت‌های علمی، آموزشی، پژوهشی، دانشگاهی، ادبی و هنری، افزایش صادرات کتاب و عامل‌های بسیار دیگر، ابتکار عمل را در جنبه‌های نظری نشر هم به دست گرفت. مطالعات نشر و حتی اصطلاحات نشر و زیرشاخه‌های نشر، مانند ویرایش، که انگلیسی‌ها در آن‌ها دست بالا را داشتند، در آمریکا در مسیری کم‌وبیش متفاوت افتاد و حاصل آن مجموعه منابع، تعبیرات، اصطلاحات و جنبه‌های نظری دیگری شد که اکنون از مبانی منابع آموزشی نشر در جهان است.

نشر آمریکا از پیشرفت‌های چشمگیر در فناوری تولید دستگاه‌های چاپ پرسرعت افست و رُتاتِیو، تولید کاغذ، عکاسی و تولید سایر منابع چاپی و انتشاراتی بهره برد و توانست آثاری با شمارگان‌هایی منتشر کند که در تاریخ نشر جهان بی‌سابقه بود. انتشار مواد دیداری و شنیداری، موادی که کارآمدی آموزشی و مهارتی را به طرزی محسوس افزایش داد، به شاخه تازه و فعالی از نشر تبدیل شد. انتشار منابع مرجع، مانند

دانشنامه‌ها، فرهنگ‌ها، منابع درسی دانشگاهی و جز آن رونق گرفت. شاخه نشر ادبیات ویژه کودکان و نوجوانان، هم بسیار فعال و هم خلاقانه شد. این‌ها و بسیاری از فعالیت‌های دیگر در زمینه نشر برای نشر جهان الهام‌بخش بود و شماری از کشورها که استعداد توسعه و رشد نشر را داشتند از این دستاوردها سود بردند و به نشر خود حرکت بخشیدند. برای مثال، یک نمونه آن انتشار کتاب‌های جیبی ارزان‌قیمت و در دسترس بود که ایران با الهام از روند انتشار کتاب‌های جیبی آمریکایی و پنگوئن انگلیسی، به انتشار مجموعه گسترده‌ای از کتاب‌های جیبی با بهایی بسیار ارزان در دهه ۱۳۴۰ش دست زد. تأثیرهای این مجموعه در رشد و گسترش پدیده کتاب‌خوانی در کشور به اندازه کافی شناخته، و در منابع بسیاری درباره آن صحبت شده است.

رویداد دگرگون‌سازی که پس از گذشت چند دهه مسیر نشر جهان را تغییر داد، ابداع رایانه (کامپیوتر) بود. نخستین رایانه در سال ۱۹۴۲م، در اواسط جنگ جهانی دوم، تولید و عرضه شد. دو سال بعد حروفنگاری نوری ابداع شد که سرعت حروفنگاری را در نشر آمریکا افزایش داد. در این میان کشورهای دیگر هم بیکار ننشسته بودند. آلمان و ژاپن که از خاکستر جنگ برخاستند و بیشتر فعالیت‌های خود را از نقطه صفر آغاز کردند، در مدتی حدود یک دهه دستاوردهای چشمگیری در فناوری تولید چاپی داشتند. رشد و توسعه جامعه نه فقط به نشر نیازمند بود که به آن وابستگی داشت. هر گونه برنامه توسعه به انبوهی از مطالب احتیاج داشت که باید به گونه مطلوب تولید و منتشر می‌شد. در دوره بازسازی پس از جنگ جهانی دوم، نقش نشر در توسعه آشکار و آشکارتر شد. توجه به تولید دستگاه‌های چاپ با سرعت‌ها و ظرفیت‌های بیشتر، ناشی از نیاز به انتشار مواد و مطالب و منابع با شمارگان‌های بسیار زیاد و در کوتاه‌ترین زمان ممکن بود. ژاپنی‌ها کمی بیش از یک دهه پس از بمباران

هیروشیما و تسلیم شدن بی قید و شرط کشورشان در جنگ، توانستند نخستین دستگاه افست ۴ رنگ را تولید کنند که نشانه‌ای بارز از پیشرفت در فناوری چاپ و نیز تسلط ژاپنی‌ها به ظرایف فنون چاپ بود. همپا با این پیشرفت، نشر ژاپن هم رو به توسعه گذاشت و پس از چند سال در صف کشورهای موفق در زمینه نشر، در کنار آمریکا، انگلستان، فرانسه و آلمان، قرار گرفت.

در دهه ۱۹۶۰م نخستین دستگاه واژه‌پرداز، موشواره (ماوس)، فلاپی، ریزپردازنده، و سی دی ساخته شد، دستگاه تکثیر آسه به بازار آمد و تکثیر مدارک با آن ممکن و آسان شد. آرپانت، که گام نخست در راه ایجاد شبکه اینترنت بود، به راه افتاد. چاپگر سوزنی به کار گرفته شد. عکاسی و لیتوگرافی دو مرحله از مراحل تولید چاپی را حذف کردند، سرعت چاپ را افزایش و هزینه‌ها را هم کاهش دادند. این‌ها از جمله دستاوردهای دهه ۱۹۶۰م بود که کاربردها و پیامدهایشان در نشر به تدریج و طی سال‌های بعد پدیدار شد.

در دهه ۱۹۷۰م چندین نوع دستگاه زیراکس به بازار آمد که تأثیر مستقیم آن در نشر، توان انتشار آثاری با شمارگان محدود، هزینه کمتر و سرعت و سهولت بیشتر بود. از دیگر رهاوردهای این دهه تولید میکروچیپ، ساخته شدن دستگاه چاپ افستی که می‌توانست ساعتی ۱۰ هزار ورق چاپ کند، تولید چاپگر لیزری و جوهرافشان، رایانه آپل و نخستین رایانه‌های شخصی، ریزپردازنده، تلفن همراه و خلاصه فراهم شدن عناصر و لوازم ضروری نشر دیجیتال بود، نشری که آینده آن چشم‌اندازهای بسیار گسترده‌ای دارد و تأثیرهای فراوان آن هنوز به طور کامل پیش‌بینی‌پذیر نیست.

تغییر عمده مسیر و حتی سرنوشت نشر را باید در دو دهه آخر سده ۲۰م جستجو کرد. در همین دهه‌ها بود که رایانه شخصی به محیط‌های کار و فعالیت، دفترهای شخصی، مراکز آموزشی و پژوهشی، مؤسسه‌های

انتشاراتی و حتی به خانه‌ها راه یافت، دست‌کم در کشورهایی که شهروندان توان تهیه رایانه را داشتند. رایانه اپل مکینتاش که امکانات گرافیکی‌اش بی‌سابقه بود، زمینه تازه و گسترده‌ای در اختیار نشر قرار داد. ارزان و فراوان شدن رایانه شخصی و دستگاه‌های چاپگر شاخه تازه‌ای از نشر با عنوان «نشر رومیزی» را ایجاد کرد. نشر رومیزی یعنی خلاصه شدن یک چاپخانه به دو دستگاه کوچک و قرار گرفتن آن‌ها روی یک میز کار. از همین نشر با عنوان تحولی بزرگ و تأثیرگذار هم یاد شده است، زیرا دوردست‌ترین و دشوارگذرترین نقاط جهان می‌توانستند مواد و مطالب دلخواهشان را به یاری این نشر منتشر کنند. نشر رومیزی بر آموزش در نقاط دورافتاده تأثیر مستقیم و تسهیل‌کننده گذاشت.

در همان دهه‌ها امکان اتصال رایانه به شبکه تلفن امکان‌پذیر و شبکه جهانی وب طراحی شد. امکان جابه‌جایی اطلاعات در سراسر جهان از راه این شبکه فراهم آمد. نتیجه، دگرگونی بنیادی در ساختار نشر بود. سازمان‌های انتشاراتی بزرگ با صدها و گاه هزاران کارمند به دفترهای کوچکی با چند همکار تبدیل شدند، اما با بازدهی به مراتب بهتر و بیشتر از پیش. به حضور در یک محل و زیر یک سقف دیگر نیازی نبود. دورکاری رایج شد، و در عین حال این امکان بی‌سابقه برای نشر فراهم آمد که از هر تخصص و هر گونه امکان همکاری در هر جای جهان که باشد استفاده کند. حالا ناشری اروپایی می‌تواند از برزیل نوشته‌ای بگیرد، در سوئد تصویرسازی، در آرژانتین نقاشی، در انگلستان ویرایش، در فرانسه صفحه‌آرایی، و در هند و چندین و چند نقطه جهان به طور همزمان چاپ و منتشر کند. این همانا معنا و مصداق «انقلاب در نشر» است؛ استفاده از هر امکانی در هر نقطه از جهان، با پیامدهایی گسترده‌تر از آن‌که اکنون بتوان به تمام و کمال پیش‌بینی کرد.

در دهه پایانی سده ۲۰م نشر الکترونیکی، که پایه‌های اصلی آن از

چند دهه پیش گذاشته شده بود، شیوه نشر پیشین را، که گاه از آن و با لحن‌های مختلف به عنوان «نشر سنتی؛ نشر کاغذی» یاد می‌شد، به چالش خواند. نشر کاغذی با فناوری‌ها و روش‌های تازه‌ای روبه‌رو شد که اگر آن‌ها را نمی‌پذیرفت، تداوم و بقای خود را به خطر می‌انداخت. ناشرانی که هوشمندتر و آینده‌نگرتر بودند، راه را برای ورود این فناوری‌ها و روش‌های جدید باز کردند و به سمت «نشر ترکیبی»، یا «نشرهای همراه»، یا «نشرهای مکمل» رفتند، آمیزه‌ای از انواع نشرهای پیشالکترونیکی و پسالکترونیکی. رویدادهای بعدی هم نشان داد که نشر ترکیبی می‌تواند ضامن تداوم و بقای ناشران باشد، زیرا علاقه و نیاز به کتاب کاغذی به طور قطع هیچ‌گاه از بین نمی‌رود، ولو آن‌که دیگر کاغذ را از چوب و الیاف گیاهی تولید نکنند، جنگل‌ها و درختان قربانی تولید کاغذ نشوند و مواد خام دیگری برای تولید کاغذ به کار بگیرند؛ کما این‌که تولید کاغذ از سنگ و بعضی مواد بازیافتی آغاز شده است.

تجربه‌های چند سال گذشته نشان داد که کتاب الکترونیکی در زمینه‌هایی و برای کاربردهایی مزیت دارد، اما نمی‌تواند جانشین مزیت‌های خاص کتاب کاغذی باشد. برای مثال، علاقه عاطفی بخشی از خوانندگان به لمس و حس کردن جسم کاغذی و ماده کتاب به قوت خود باقی است؛ یا در مواردی که ضرورت مطابقت و مقایسه همزمان چند یا چندین اثر با هم باشد، راهی جز استفاده از منابع کاغذی نیست، اما این امکان که متن الکترونیکی صدها و هزارها کتاب را در دستگاه کتابخوان کوچک و کم‌حجم و وزنی ذخیره و به راحتی حمل کرد، یا در واقع مجموعه یا کتابخانه‌ای در کیف و جیب خود به همراه داشت، از مزیت‌ها و رهاوردهای نشر الکترونیکی است. در هر حال، پس از فروختن داوری‌های تندوتیز و شتاب‌زده، شغف‌زدگی هواداران فناوری‌های جدید، مخالفان سرسخت نشر کاغذی و ناشران «سنتی»، همزیستی

گونه‌های مختلف نشر و نقش تکمیل‌کننده آن‌ها مسجل و تثبیت شد. اکنون دیگر شاهد صف‌آرایی‌های دو سه دهه پیش نیستیم.

با پیشرفت‌های فناوری در سده ۲۱م، بر نشرهای همراه و ترکیبی و مکمل تأکید می‌شود. نشر بنا به سرشتی که دارد آینده‌زی است و در عین حال، فناوری‌های جدید و کاربردی را به سرعت می‌پذیرد. این را سیر خود نشر به‌خوبی نشان می‌دهد که پایه‌های فناوری‌ها چگونه دستخوش تحول شده است. نشر اکنون به توانی دست یافته است که بنا به برآوردها هر دقیقه ۲ کتاب در جهان منتشر می‌شود، ساعتی ۱۲۰ کتاب، یک شبانه‌روز ۲۸۸۰ کتاب. این فقط یکی از مصداق‌های «انفجار اطلاعاتی» است. جهان برای آن‌که زیر بهمن اطلاعات نماند، یا بمباران اطلاعاتی نشود، ناگزیر به یافتن راه‌های عملی است. هیچ شاخه‌ای از نشر به‌تنهایی نمی‌تواند حجم‌های عظیم و بهمن‌وار اطلاعات را ساماندهی و در یک مجرای خاص هدایت کند. به همین سبب، ضرورت مدیریت اطلاعات ایجاب کرده است از همه راه‌های فعلاً ممکن برای انتقال، جابه‌جایی و بازنشر استفاده شود. نشر کاغذی، نشر دیداری-شنیداری، نشر الکترونیکی، نشر رومیزی، نشر درخواستی، نشر شبکه‌ای، نشر چندرسانه‌ای، نشر رایانه‌ای، نشر از طریق گوشی‌های همراه و تابلوهای اعلان، و نشرهای دیگری که در راه است، مکمل همدیگر شده‌اند. رقابت میان آن‌ها هم طبیعی است و هم به پیشرفت و کارآمدی بیشترشان کمک می‌کند. اکنون از هیچ کسی نمی‌توان توقع داشت که خود را به محصول یک گونه خاص از نشر محدود کند. امکانات گونه‌های مختلف نشرها بالقوه در اختیار همگان است، نشرهایی که همگی در حال توسعه هستند و توانایی و ظرفیت تولید و عرضه‌شان رو به افزایش. این جامعه‌ها هستند که با توجه به هدف‌ها، انگیزه‌ها، تلاش‌ها و امکاناتشان باید تصمیم بگیرند از توان و مزیت انواع نشرها چگونه بهره‌برداری کنند.

هم‌اینک نیز با پدیدهٔ روند جهانی شدن روبه‌رو شده‌ایم. این روند گذشته از اتکایش به عامل‌های اقتصادی، بازرگانی، سیاسی و فرهنگی، به فناوری‌های پیشرفته و به شبکه‌های ارتباطی و الکترونیکی متکی است. نشر مانند بسیاری از فعالیت‌های دیگر با این واقعیت جهان امروز هم روبه‌روست. مخاطبان نشر مخاطبان پیشین نیستند. نیازهای مطالعاتی تغییر کرده، ضرورت داشتن تخصص و مهارت، عدهٔ بسیار زیادی را به آموختن این‌ها و آموختن زبانی خارجی ناگزیر کرده است. سیل مهاجران در جستجوی کار، شرایط بهتر کار و زندگی رو به افزایش است. آمارهای سازمان ملل متحد نشان داده است که سال پیش از شیوع کرونا بیش از ۲۷۰ میلیون تن در جهان مهاجرت کرده‌اند. پیش‌بینی‌ها حکایت از آن دارد که اگر کرونا مهار شود، جابه‌جایی جمعیت به طرز فزاینده‌ای تشدید خواهد شد. متغیرهای اصلی تأثیرگذار بر نشر، مانند مخاطبان، نیازها، کاربردها، نیروهای مولد نشر، فناوری‌ها، روش‌ها، هدف‌ها و رویکردها همگی دستخوش تغییرند. در عین حال آموزش، تعلیم و تربیت، پژوهش، فرهنگ و سایر جنبه‌های حیات اجتماعی به نشر نیازمند و حتی به آن وابسته است.

با توجه به چنین وضعیتی، برای نشر کتاب، به‌ویژه در کشور خود ما، چه باید کرد که تداوم و بقا داشته باشد؟ افزون از بقای صرف و تداوم، چگونه به نشر توسعه‌یافته، نشر تولیدی، و نشر قادر به آفریدن محتواهای لازم و مدّ نظر تبدیل شود؟ چگونه می‌توان نقش حقیقی و اصلی آن را حفظ و کاری کرد که به نیازها و ضرورت‌های زمانه پاسخ بگوید و خود را با تحولات در عرصه‌های مختلف و مرتبط چگونه سازگاری دهد؟

نشر فرهنگ‌آفرین، دگرساز، تأثیرگذار، پل میان گذشته و آینده، و مهم‌ترین و اصلی‌ترین شاخهٔ تولید فرهنگی است. نشر می‌تواند به آیندگان نشان دهد ما که بودیم، چه بودیم، چه گفتیم، چه کردیم، از

گذشتگانمان چه آموختیم و چه میراثی را به آیندگانمان انتقال دادیم. آیا فعالیتی با چنین کارکردهایی کارآمدترین راه بیان احساس، عاطفه، اندیشه، پندار، گفتار و کردار ما نیست؟ اگر هست، و این شأن و اهمیت را در زندگی ما دارد، چه کوشش‌هایی لازم است؟

مطالب این کتاب نتیجه کندی و کاو‌هایی است در راه دست یافتن به پاسخ شماری از پرسش‌ها درباره روند نشر کتاب، حال و آینده آن و تلاش در راه شناختن جنبه‌های مغفولی از آن و نیز یافتن پاسخ و راه‌حل، البته در حد توان و امکان.